

# سیمای زکات در اسلام

۲

محمد مهدی فجری

## اشاره:

در شماره قبل، اهمیت، فلسفه، موارد مصرف و آثار فردی زکات را مورد بررسی قرار دادیم. در ادامه، آثار اجتماعی زکات و آثار عدم پرداخت آن را بحث می‌کنیم.

## ب. آثار اجتماعی زکات

زکات به عنوان یک اصل اجتماعی، در میان قوانین اجتماعی اسلام، بی‌نظیر است؛ چرا که نقش تعیین‌کننده‌ای را در پیشبرد اهداف اسلام، به خصوص در برنامه اقتصادی ایفا می‌کند.

با بررسی آثار پرداخت زکات در

بعد اجتماعی به این نتیجه می‌رسیم که زکات، علاوه بر اینکه فقرا را از انزوا، گوشه‌گیری، بدبینی، ناامیدی و حس حقارت دور می‌کند، موجب برادری و دوستی در بین مسلمین شده و به واسطه حل مشکلات فقرا، بخشی از مفساد اجتماعی را که برخاسته از فقر حاکم بر جامعه است نیز از بین می‌برد. از آثار اجتماعی زکات می‌توان به

موارد ذیل اشاره کرد:

### ۱. دفع بلا از امت

یکی از آثار اجتماعی زکات، دفع انواع بلاها و خطرات از امت است و شاید بتوان بعضی از بلاها را ناشی از

مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُخْتِجًا وَلَا سَتْنِي بِمَا قَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ وَإِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا اخْتَجُوا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَرُوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ؛<sup>۱</sup> زکات به منظور آزمون توانگران و کمک به مستمندان وضع شده است. اگر مردم زکات اموال خود را می پرداختند، هیچ مسلمانی، فقیر و نیازمند نمی ماند و به سبب آنچه خداوند عز و جل برای او واجب کرده است، بی نیاز می شد. مردم، فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه نشدند، مگر به سبب گناهان ثروتمندان.»

صرف نظر از اینکه زکات دور کننده فقر از جامعه اسلامی است، مفاسدی را که گریبانگیر جامعه است نیز کاهش می دهد، چرا که هم از دیاد سرمایه، زمینه ساز فساد است و هم فقر ممکن است زمینه مفاسد اجتماعی مثل وقوع سرقت، دریافت رشوه، خیانت و امثال آن را فراهم آورد که زکات، از راههای تعدیل کننده ثروت و از بین برنده بسیاری از مفاسد

عدم توجه به این واجب الهی دانست؛ چنانکه امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيَدْفَعُ لِمَنْ يُزَكِّي مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يُزَكِّي وَلَوْ أَجْمَعُوا عَلَى تَرْكِ الزَّكَاةِ لَهَلَكُوا؛<sup>۲</sup> قطعاً خداوند به خاطر کسانی از شیعیان ما که زکات می دهند، [انواع بلاها و خطرات را] از سایرین نیز دفع می کند و اگر همه پرداخت زکات را ترک می کردند، نابود می شدند.»

#### ۲. فقرزدایی

یکی از مسائل مهم جامعه، وجود فقر و یکی از راههای مبارزه با آن، پرداخت زکات و انفاق است. هدف اسلام از تشریح زکات، کم کردن فاصله های بین فقرا و اغنیا است.

در همین راستا، روایات بسیاری از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده که مضمون همه آنها دستور به پرداخت زکات به فقرا تا سرحد بی نیازی آنان است و بدین طریق خواستار یک توازن اجتماعی در بین مسلمانان می باشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّمَا وُضِعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِيَارًا لِأَغْنِيَاءٍ وَمَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ آدَوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ

۱. کافی، کلینی، دار الکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۶۵،

ج چهارم، ج ۲، ص ۴۵۱.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷.

غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالرِّزْقَ مُخْتَلِفًا أَكْثَلَهُ وَ  
الرَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كَلُّوا مِنْ  
ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا  
تَسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛<sup>۱</sup> «اوست که  
بساغهای معروش (باغهایی که  
درختانش روی داربستها قرار دارد) و  
باغهای غیر معروش را آفرید. همچنین  
نخل و انواع زراعت را که از نظر طعم و  
میوه با هم متفاوتند. و [نیز] درخت  
زیتون و آنان را، که از جهتی با هم شبیه  
و از جهتی تفاوت دارند. از میوه آن  
وقتی به ثمر می رسد، بخورید و حق آن  
را به هنگام درو، بپردازید و اسراف  
نکنید که خداوند مسرفان را دوست  
ندارد.»

۳. تقویت بنیه دینی مردم

همانطور که اشاره شد، مصرف  
زکات، در مسائل اقتصادی صرف  
خلاصه نمی شود؛ بلکه جامعیت آن  
باعث شده است تا در کلیه اموری که به  
نوعی موجب تقویت بنیه های دینی  
دوست داران اهل بیت علیهم السلام می گردد  
نیز، مصرف شود که ساخت مسجد،

می باشد.

آری، اغنیا می توانند عقل و لیاقت  
مسال خود را در یکی از این دو راه  
بیازمایند:

الف. ثروت خود را صرف هزینه  
تجملات و خرید وسایلی که موجبات  
تفاخر بر دیگران را فراهم می کند  
بنمایند و منفور خلق و خالق شوند.

ب. و یا با پرداخت بخشی از  
سرمایه خود، در راه نجات انسانها در  
بعد مادی و معنوی سهم باشند و با  
دادن حقوق الهی محبوب خالق شوند.  
آنچه مسلم و بدیهی است، این  
است که راه دوم با عقل و منطق  
سازگارتر و در نظر عرف پسندیده تر  
است؛ به همین خاطر است که در  
روایت فوق، زکات، وسیله آزمایش  
اغنیا معرفی شده است.

قرآن کریم نیز در آیه ۱۴۱ سوره  
انعام با صراحت اعلام می دارد که همه  
محصولات یک کشتزار، باغ یا  
نخلستان، برای مصرف شخصی  
نیست و در آن حقی برای فقرا و  
مساکین منظور شده است.

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ

بارها این مسئله تجربه شده است که انجام فعل حرام و یا ترک واجب، غیر از عذاب اخروی، آثار خود را در این دنیا نیز بر جای گذارده است. اصولاً از دیدگاه اسلام اموالی که مخلوط با حق دیگران بوده و حق الله (خمس و زکات) و حق الناس از آن جدا نگردیده است، اموالی نکبت‌بار است که بدبختی، درد، رنج و عذاب را برای صاحب خود به همراه دارد؛ چنان که پیغمبر خدا ﷺ فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَالٌ لَا يَزْكِي»<sup>۲</sup>؛ مالی که زکات آن پرداخت نشده، ملعون و مورد نفرین است. و نیز فرمود: «مَا حَبَسَ عَبْدٌ زَكَاةَ فَرَادَتْ فِي مَالِهِ»<sup>۳</sup>؛ ممکن نیست بنده‌ای زکات مالش را حبس کند؛ اما مال او فزونی [واقعی] پیدا کند.»

در حقیقت، یکی از اهداف تشریح زکات، غیر از پاکی روح از بسخل، دنیا پرستی و مال دوستی، پرداخت حقوقی است که اسلام در مال اغنیا قرار داده است. و عدم پرداخت

مدرسه، کتابخانه، انجام تبلیغات اسلامی، انجام امور دینی، اصلاح و آشتی بین مسلمین، از جمله آنها است. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوتِ الْفُقَرَاءِ... وَالْمَعُونَةِ لَهُمْ عَلَى أَمْرِ الدِّينِ»<sup>۱</sup>؛ دلیل پرداخت زکات، قوت فقرا،... و کمک‌رسانی به آنان در امور دینی [آنها] است.»

### آثار عدم پرداخت زکات

همان‌گونه که زکات موجب آثار و برکات فردی و اجتماعی است - که به نمونه‌هایی از آن اشاره شد - پرداختن آن نیز آثار سوئی را بر فرد و جامعه بر جای می‌گذارد.

آثار عدم پرداخت زکات را در یک تقسیم بندی کلی می‌توان به آثار

دنیوی و اخروی تقسیم کرد. الف. آثار دنیوی

با بررسی آیات و روایاتی که از طرف شارع مقدس اسلام و ائمه طاهرین علیهم السلام به ما رسیده است، این نکته به دست می‌آید که بسیاری از اوامر و نواهی، رابطه مستقیم با زندگی دنیوی انسان در بعد فردی و اجتماعی دارد.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸

۲. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۶.

۳. همان.

آن، آثار سوئی را به همراه دارد که به برخی از آن اشاره می‌شود:

#### ۱. تلف شدن اموال

همان‌طور که پرداخت زکات موجب برکت و ازدیاد رزق می‌شود و ائمه معصومین علیهم‌السلام کم نشدن مال زکات داده شده را تضمین کرده‌اند، در مقابل، یکی از دلایل تلف شدن اموال به واسطه حوادث طبیعی و غیر آن را عدم پرداخت زکات دانسته‌اند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَضْيِيعِ الزَّكَاةِ؛<sup>۱</sup> هیچ مالی در خشکی و در دریا ضایع و تلف نمی‌شود، مگر به خاطر آنکه زکات آن تضييع شده باشد.»

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که چرا عده‌ای با اینکه در پرداخت حقوق الهی کوتاهی می‌کنند، نه تنها از ثروتشان کاسته نمی‌شود، بلکه همواره بر آن افزوده می‌گردد؟!

پاسخ این است که اولاً، خداوند متعال وسایل ارشاد و هدایت تمام بندگان خود را فراهم ساخته و توسط پیامبران و ائمه طاهرین علیهم‌السلام با آنان اتمام حجت کرده است. حال اگر در

گمراهی خویش باقی ماندند و همچنان به هتک حرمت خدا پرداختند و مقررات و دستورات الهی را ناچیز انگاشتند، آنها را به خویشتن واگذارده، به وسیله مال و اولاد زیاد، آنان را در ناز و نعمت و خوشی قرار می‌دهد و در عالم آخرت به عذاب سختی گرفتارشان می‌کند؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا يَخْسِرَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَمْوَالَهُمْ لِيَسْخَرُوا بِهَا مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ»<sup>۲</sup> «آنها که کافر شدند [و راه طغیان پیش گرفتند] تصور نکنند اگر به آنها مهلت می‌دهیم برایشان بهتر است. ما به آنها مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای [آماده شده] است.»

ثانیاً، اگر چه برخی از افرادی که فقط به فکر زر اندوزی بوده و به حقوقی که خداوند بر آنها واجب کرده توجهی نمی‌کنند، در ظاهر در ناز و نعمت و خوش‌گذرانی مشغول‌اند، ولی باطنی پر از اضطراب آنها را احاطه

۱. همان، ص ۲۸.

۲. آل عمران/ ۱۷۸.

می‌شمرد، در مقابل، عدم پرداخت این فریضه موجب دوری از رحمت الهی خواهد شد، چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حَقِيقٌ عَلَيَّ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ اَنْ يَمْنَعَ رَحْمَتَهُ مِنْ مَنْعَ حَقِّ اللّٰهِ فِيْ مَالِهِ»<sup>۴</sup> کسی که حق خدا در مالش را نپردازد، سزاوار است که خداوند رحمت خود را از او دریغ کند.»

۴. هزینه شدن مال در راه باطل

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَمْنَعُ دِرْهَمًا فِي حَقِّهِ اِلَّا اَنْفَقَ اِثْنَيْنِ فِيْ غَيْرِ حَقِّهِ»<sup>۵</sup> کسی که مال خود را در راه حَقش [و اطاعت خدا] صرف نکند، دو برابر آن را در راه معصیت خداوند هزینه می‌کند.» و در روایتی دیگر می‌خوانیم: «مَنْ مَنَعَ حَقًّا لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ اَنْفَقَ فِيْ باطِلٍ مِثْلَيْهِ»<sup>۶</sup> کسی که حق خدا را نپردازد [و در راه حق، مال خود را صرف نکند]، دو برابر آن مقدار را در راه باطل صرف خواهد کرد.»

۱. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۶.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۵۴.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۷۴.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷.

۵. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۳.

۶. همان.

کرده است و حتی نمی‌توانند یک شب را با آرامش به صبح رسانند.

۲. کمبود و قحطی و بی‌برکتی

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «اِذَا مُنِعَتِ الزَّكَاةُ مُنِعَتِ الْاَرْضُ بَرَكَاتِهَا»<sup>۱</sup> هرگاه زکات پرداخت نشود، زمین از برکاتش بازداشته می‌شود.»

و نیز در جایی دیگر می‌فرماید: «لَا تَزَالُ اُمَّتِيْ بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوْا... وَاَقَامُوْا الصَّلٰوةَ وَاَتَوُ الزَّكٰوةَ فَاِذَا لَمْ يَفْعَلُوْا ذٰلِكَ اِبْتَلُوْا بِالْقَحْطِ وَالسَّيْنِ»<sup>۲</sup> امت من تا مادامی که یکدیگر را دوست بدارند... و نماز را به پا دارند و زکات را بپردازند، در خیر و سعادت به سر می‌برند؛ ولی اگر اینها را انجام ندهند، گرفتار قحطی و خشکسالی می‌شوند.»

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: «اِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْاَرْضُ بَرَكَاتِهَا مِنَ الزَّرْعِ وَالشَّمَارِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا»<sup>۳</sup> اگر زکات را پرداخت نکنند، زمین برکتش را از کشاورزی و میوه‌ها و معادن بر می‌دارد.»

۳. محروم شدن از رحمت

همان‌گونه که قرآن پرداخت زکات را موجب جلب رحمت الهی بر

## ۵. عدم قبولی نماز

چنان که قبلاً نیز اشاره شد، در اسلام نماز و زکات با یکدیگر قرین و پیوسته بوده و طبق آیات و روایات متعددی قبولی تمام اعمال وابسته به قبولی نماز است و قبولی نماز وابسته به پرداخت زکات می‌باشد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «فَإِنْ بَخِلَ بِزَكَاتِهِ وَلَمْ يُؤَدِّهَا أَمَرَ بِالصَّلَاةِ فَرُدَّتْ إِلَيْهِ وَوَلَقَتْ كَمَا يَلْفُ الثُّوبُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَضْرِبُ بِهَا وَجْهَهُ»<sup>۱</sup> «کسی که در پرداخت زکات بخل ورزد و آن را ادا نکند، به نمازش امر شده و به او برگردانده می‌شود و مانند لباس کهنه پیچیده و به صورتش زده می‌شود.»

آن حضرت در خطبه وداع فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ أَدُوا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ فَمَنْ لَا يُزَكِّي لَأَصَلَاةَ لَهُ وَمَنْ لَا صَلَاةَ لَهُ لَا دِينَ لَهُ وَمَنْ لَا دِينَ لَهُ لَا حَاجَ وَلَا جِهَادَ لَهُ»<sup>۲</sup> ای مردم! زکات اموالتان را بپردازید؛ زیرا کسی که زکات نپردازد، نماز او مورد قبول نخواهد بود و کسی که نمازش مورد قبول نباشد، دین ندارد و کسی که دین ندارد، حج و جهادی برایش نیست [و از او قبول نمی‌شود].»

## ۶. استحقاق اخراج از مسجد

اهمیت مسئله زکات به حدی است که اسلام مانع زکات را کافر به آخرت<sup>۳</sup>، منافق<sup>۴</sup>، هم‌ردیف رباخوار<sup>۵</sup> و کار او را موجب شرک به خدا<sup>۶</sup> معرفی کرده و موجب می‌شود تا رسول خدا ﷺ تعدادی را به خاطر عدم پرداخت زکات از مسجد بیرون کند؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ قَالَ قُمْ يَا قُلَانُ قُمْ يَا قُلَانُ قُمْ يَا قُلَانُ حَتَّى أَخْرَجَ خَمْسَةَ نَفَرٍ فَقَالَ أَخْرَجُوا مِنْ مَسْجِدِنَا لِأَنْتُمْ لَا تَصَلُّوْا فِيهِ وَأَنْتُمْ لَا تُزَكُّوْنَ»<sup>۷</sup> روزی در مسجد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بلند شو ای فلانی، بلند شو ای فلانی و تا پنج نفر را [از بین جماعت] بیرون آورد. سپس فرمود: از مسجد ما خارج شوید و تا وقتی زکات

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۸۸.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۱.

۳. ر.ک: فصلت/ ۶ و ۷.

۴. ر.ک: توبه/ ۶۷.

۵. ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴.

۶. ر.ک: همان.

۷. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۳.

نمی پردازید در آن نماز نخوانید.»

### ب. آثار اخروی

عدم پرداخت زکات علاوه بر آثار دنیوی که گفته شد، آثار اخروی را نیز در پی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

#### ۱. عذاب دردناک

یکی از مسلمات دین اسلام، وجوب پرداخت زکات طبق شرایطی که در کتب فقهی ذکر شده است، می‌باشد. و ترک آن از گناهان کبیره محسوب می‌شود؛ چنان‌که در روایات متعددی به آیات ۳۴-۳۵ سوره توبه استدلال شده که خداوند می‌فرماید:

﴿... الَّذِينَ يَكْفِرُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ \* يَوْمَ يُخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾؛

«... کسانی که گنج می‌اندوزند و طلا و نقره را ذخیره می‌کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، پس ایشان را به عذاب دردناکی بشارت ده. روزی که حرارت داده می‌شود به آن مالها [و در آتش جهنم سرخ کرده می‌شود]، پس

پیشانیها [که در وقت دیدن فقرا گره زده و روترش می‌کردند] و پهلوها و پشت‌هایشان را داغ می‌کنند [و به آنها می‌گویند]: این همان مالهایی است که برای خود ذخیره کرده‌اید؛ پس بچشید چیزی را که برای خود اندوخته‌اید.»

این آیات مبارک که مورد استدلال ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز قرار گرفته، صریحاً ثروت اندوزی و گنجینه‌سازی اموال را تحریم کرده و به مسلمانان دستور می‌دهد که مقداری از اموال خویش را در راه خدا انفاق کرده و از اندوختن و ذخیره کردن آن به شدت پرهیزید که در غیر این صورت، باید منتظر عذاب دردناکی باشید.<sup>۱</sup>

آنچه از روایات معصومین علیهم‌السلام استنباط می‌شود، آن است که مراد از «کنز» که در آیه شریفه آمده است، هر مالی است که زکات و سایر حقوق واجب آن پرداخت نشده باشد؛ چنان‌که امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ﴿وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا﴾ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّ

۱. ر.ک: بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۳۵-۱۴۲.



مَالٍ يُؤَدَّى زَكَاتُهُ فَلَيْسَ بِكَنْزٍ وَإِنْ كَانَ تَحْتِ  
سَبْعِينَ أَرْضِينَ وَكُلُّ مَالٍ لَا يُؤَدَّى زَكَاتُهُ فَهُوَ كَنْزٌ  
وَإِنْ كَانَ فَوْقَ الْأَرْضِ؛<sup>۱</sup> زمانی که این آیه  
شریفة که می فرماید: «و کسانی که گنج  
می اندوزند و طلا و نقره ذخیره می کنند  
و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند» نازل  
شد، رسول خدا ﷺ فرمود: هر مالی که  
زکاتش پرداخت شده باشد، کنز (گنج)  
محسوب نمی شود؛ اگر چه در اعماق  
زمین باشد. و هر مالی که زکاتش داده  
نشده باشد، کنز نامیده می شود؛ اگر چه  
در روی زمین باشد.»

همچنین شاید علت داغ نهادن بر  
پیشانی، پهلو و پشت که در آیه ۳۵  
سوره توبه به آن تصریح شده است،  
اشاره به آن ثروتمندانی باشد که از ادای  
حق فقرا و مستمندان دوری می کنند،  
در برخورد با آنان، صورت و پیشانی  
در هم کشیده و از نشستن کنار آنها ابا  
دارند و وقتی با آنان برخورد می کنند،  
پشت به آنها کرده و آنها را مورد تحقیر  
و بی مهری قرار می دهند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «مَا مِنْ عَبْدٍ  
مَنْعَ مِنْ زَكَاةٍ مَالِهِ شَيْئًا إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُعْبَانًا مِنْ نَارٍ يُطَوَّقُ فِي عُنُقِهِ يَنْهَشُ

مِنْ لَحْمِهِ حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الْحِسَابِ وَهُوَ قَوْلُ  
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «سَيَطُوفُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ»؛<sup>۲</sup> بنده ای نیست که زکات  
مالش را نپردازد، مگر آنکه در روز  
قیامت خداوند آن زکات را [که بر عهده  
او است] به صورت مار بزرگ آتشی  
در آورده و به گردنش انداخته می شود  
و آن مار آتشین به گزیدن گوشت او  
می پردازد تا خداوند از کار حساب  
[بندگان خود] فراغت یابد. و این است  
معنی کلام خداوند عزیز و جلیل که  
می فرماید: "به زودی در روز قیامت  
آنچه در بخشیدنش بخل می ورزیدند،  
همانند طوقی به گردنشان می افکنند." «  
گنج را از دل برون کن مال را بفکن ز چشم  
مال تو ماست در معنا و گنجت ازدها  
۲. در زمره کفار قرار گرفتن

کسی که در پرداخت زکات  
کوتهای می کند، هنگام مرگ، مسلمان  
از دنیا نمی رود.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ مَنَعَ  
قَبْرًا مِنْ الزَّكَاةِ فَلَيْسَتْ لَهُ نَفْسٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

۱. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۰.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۵۰۴.

انجام وظیفه، پرداخت زکات باید برخاسته از رضایت قلبی و طیب خاطر باشد؛ چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «فَإِنَّ مَنْ أَعْطَى زَكَاتَ مَالِهِ طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ حَبَّةٍ مِنْهَا قَضْرَأُ فِي الْجَنَّةِ مِنْ ذَهَبٍ وَقَضْرَأُ مِنْ فِضَّةٍ»<sup>۳</sup> هر کس زکات مال خود را با طیب نفس بپردازد، خداوند در مقابل هر دانه [گندم و جو و ...] قصری از طلا در بهشت و قصری از نقره به او عطا می‌فرماید.

ج. اگر زکات به فقیر داده شود، لازم است این کار با کمال احترام صورت پذیرد تا او از گرفتن آن احساس حقارت نکند. دین اسلام به اندازه‌ای برای عزت و آبروی انسان مؤمن احترام قائل است که به زکات‌دهنده اجازه می‌دهد اگر مستحق، از گرفتن مالی با عنوان زکات شرمند می‌شود و امتناع می‌کند، بدون آنکه اسمی از زکات ببرد، آن را با کمال احترام به او تقدیم کند.

ابن بصیر می‌گوید که به امام

نَضْرَائِيًّا؛<sup>۱</sup> کسی که به مقدار قیراطی (یک پنجم گرم) از زکات را ندهد، پس باید به دین یهودی یا دین نصارا بمیرد.»

همچنین آن بزرگوار می‌فرماید: «مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا مُسْلِمٍ وَسَأَلَ الرَّجْعَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ﴾»<sup>۲</sup> کسی که به مقدار قیراطی از زکات را نپردازد، نه مؤمن است و نه مسلمان و به هنگام مرگ آرزو می‌کند که او را بازگردانند [تا خود را از عذاب دوزخ برهاند] و این همان کلام خداوند است که می‌فرماید: «وقتی زمان مرگ یکی از آنها فرا می‌رسد، می‌گوید: پروردگارا! من را بازگردانید، شاید در آنچه ترک کرده‌ام [و کوتاهی نمودم] عمل صالحی انجام دهم.»

#### نکاتی در مورد پرداخت زکات

الف. پرداخت زکات واجب، شامل غلات چهارگانه (گندم، جو، خرما، کشمش)، دام (شتر، گاو، گوسفند) و درصد معینی از نقدین (طلا و نقره مسکوک) می‌شود.

ب. جهت کسب پاداش، علاوه بر

۱. همان، ص ۳۳.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۰.

یکدیگر در پرداخت زکات است.»  
 و اسلام تأکید بسیاری بر این نکته دارد که زکات از مال مرغوب و اجناس دلپسند باشد. قرآن با اشاره بر این مطلب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ»<sup>۱</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمتهای پاکیزه اموالی که [از طریق تجارت] به دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم، [مثل محصولات زراعی، منابع و معادن] انفاق کنید و برای انفاق، به سراغ قسمتهای ناپاک نروید، در حالی که خود شما [به هنگام پذیرش اموال] حاضر نیستید آنها را بپذیرید، مگر از روی اغماض و کراهت. و بدانید خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است.»

ز. در احادیث اسلامی، اقوام و

باقر علیه السلام گفتیم: «مردی از اصحاب ما از گرفتن زکات حیا می‌کند. [آیا می‌توانیم] زکات را به او بدهیم بدون آنکه اسمی از آن ببریم؟» امام علیه السلام فرمود: «أَعْطِهِ وَلَا تُسَمِّ لَهُ وَلَا تُذِلُّ الْمُؤْمِنَ؛<sup>۱</sup> زکات را به او بده؛ ولی نامی از آن مبر تا مؤمن ذلیل و خوار نشود.»

د. از آنجایی که زکات یکی از واجبات می‌باشد، در نیت آن قصد قربت امری لازم است؛ اگر چه گفتن آن به گیرنده ضرورتی ندارد.

ه. سفارش اسلام بر این است که زکات به سرعت به دست افراد نیازمند برسد؛ چرا که سرعت در پرداخت زکات، عشق و علاقه فرد را نسبت به تکالیف الهی نشان می‌دهد و در نتیجه، آبروی فقیر به واسطه درخواست از دیگران از بین نمی‌رود و راه را به روی وسوسه‌های شیطان و افراد بخیل و پیش‌آمد حوادثی که ممکن است مانع پرداخت زکات شود، می‌بندد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَلِيُّ الْمَسَارِعُونَ إِلَى الزَّكَاةِ»<sup>۲</sup> ای علی! یکی از اخلاق مؤمنین، سرعت گرفتن بر

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳.

۲. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۲۰۷.

۳. بقره / ۲۶۷.

تکالیف الهی و از جمله آنها زکات را انجام دهد.

ثانیاً: از کلمه زکات معنای «رشد و پاکیزگی» به دست می‌آید؛ پس نباید خیال کرد که پرداخت قسمتی از اموال یا درآمد، کاهش آنها را در پی دارد؛ بلکه حقیقت امر، افزایش کمی یا کیفی سرمایه‌های انسان است، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم؛ یعنی با جلوگیری از آفات و بلاها.

ثالثاً: فراموش نکنیم که اگر توفیقی در فعالیتهای کشاورزی و اقتصادی به دست بیاید (مثل خودکفایی گندم)، در پرتو عمل به وظایف شرعی و ایمان و توکل مؤمنانه است، نه فقط به خاطر ابزار پیشرفته یا بارش باران کافی و امثال آن. و کیست که نداند باران را باید خدا بفرستد و ابزار و اسباب را او فراهم نماید.

خویشاوندان<sup>۱</sup> - که پرداخت نفقه بر آنها واجب نیست -، کسانی که از دیگران درخواست کمک نمی‌کنند و خجالت می‌کشند،<sup>۲</sup> طرفداران مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، و... در اولویت گرفتن زکات قرار دارند.

ح. با وجود اینکه گرفتن زکات از جمله وظایف حکومت اسلامی است، ولی اگر دولت در زمینه جمع‌آوری آن اقدام نکند، اغنیا همچنان باید تعهد خویش را ادا کرده و آن را پردازند؛ چرا که پرداختن زکات غیر از آثار فردی و اجتماعی، یک واجب الهی (همانند نماز و روزه) و نشانه سپاسگزاری از خداوند است.

#### نتیجه سخن

اولاً: هرچه در اختیار انسان است و مایه پیشرفت مادی او در دنیا به حساب می‌آید، همه داده‌های خداوند است: «وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ»<sup>۳</sup> «هر نعمتی که شما بندگان دارید، همه از خدا است.»

و وظیفه انسان، بهره‌برداری صحیح از آنها است. و در صورتی می‌تواند شرط بندگی را عمل کند که

۱. ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۲۴۵.

۲. ر.ک: الکافی، ج ۳، ص ۵۵۰.

۳. نحل/ ۵۳.